

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مجله هفته

۲۸ اگست ۲۰۲۰

## افشای جزئیات آدمربائی سران عربستان در پاریس

مجله وانتی فیر مقاله‌ای را در خصوص یک کتاب جدید به نام «خون و نفت، جست و جوی سرسختانه محمد بن سلمان از یک قدرت جهانی» به قلم برادلی هوب و جاستین شیک منتشر کرده است.

این کتاب در بخش‌هایی از خود جریان ربه شده شاهزاده سلطان بن ترکی را از پاریس توضیح داده و می‌نویسد که هواپیمائی که فرار بود وی را از پاریس به قاهره منتقل کند، مشکوک بود. سرنشینان هواپیما ۱۹ نفر بودند که بیشتر از تعداد عادی کارکنان یک هواپیما بودند، این در حالی بود که همه آنها مرد بودند و هیچ مهمانداری در هواپیما حضور نداشت. چیزی که تردید اطرافیان شاهزاده سعودی را افزایش داد، این بود که هیچ اطلاعاتی از این سفر به سلطان ارائه نشد. لذا اطرافیان شاهزاده سلطان به وی در خصوص فریبی که در این هواپیما انتظار آنها را می‌کشید، هشدار دادند. اما امیر سلطان خسته بود و تلاش داشت زودتر به نزد پدرش برود که در قاهره منتظر وی بود.

محمد بن سلمان هواپیمای اختصاصی را برای وی فرستاده بود تا او را برای دیدار پدرش به قاهره بفرستد. سلطان بن ترکی یکی از نوادگان عبدالعزیز بن سعود مؤسس خاندان سعودی است. پدرش ترکی دوم نام داشت، چرا که عبدالعزیز یک فرزند دیگر به نام ترکی داشت. ترکی دوم یکی از کاندیداهای رسیدن به پادشاهی عربستان بود، اما وقتی با دختر یک شیخ طریقت صوفی ازدواج کرد، مجبور شد زندگی خود را در تبعید ادامه دهد. سعودی‌ها صوفی‌ها را یک جنبش انحرافی قلمداد می‌کردند.

پدر سلطان سالها در یک هتل در قاهره زندگی کرد. سلطان مناسبات خود را با خاندان حاکم عربستان گسترش داده و در سال ۱۹۹۰ با دختر امیر عبدالله که پادشاه عربستان شد، ازدواج کرد. اما همسر وی در یک حادثه رانندگی جان خود را از دست داد. بعد از این حادثه بود که شاهزاده ۲۲ ساله سعودی سعی کرد آزاد زندگی کند. او پول زیادی از ملک فهد عمومی خود دریافت می‌کرد و با این پول به همراه کاروانی که متشکل از نگهبانان و زنان متعدد و هیأت همراه ایجاد کرده بود، در کشورهای اروپائی به گشت‌وگذار می‌پرداخت.

ملک فهد شاه مسن سعودی برادر زاده اش را دوست داشت، او در مجموع دوست داشت شاهزادگان سعودی زندگی مرفهی داشته باشند. وقتی که ملک فهد در سال ۲۰۰۲ عمل جراحی خود در بیمارستانی در ژنیو را با موفقیت پشت سر گذاشت، شاهزاده سلطان صندلی چرخدار وی را حرکت می‌داد. این افتخاری بود که هیچ یک از شاهزادگان نتوانستند به آن دست پیدا کنند. سلطان هیچ منصب رسمی در حکومت عربستان نداشت، اما تا حد زیادی تأثیرگذار بود و با روزنامه‌نگاران خارجی در خصوص دیدگاه‌های خود در سیاست‌های عربستان صحبت می‌کرد.

وی در سال ۲۰۱۳ در اظهاراتی خواستار توقف کمک‌های عربستان به نخست وزیر وقت لبنان شد، او معتقد بود که رفیق حریری از پول عربستان برای زندگی پر زرق و برق خود استفاده می‌کند. سلطان تنها شاهزاده سعودی نبود که رفیق حریری را به فساد متهم می‌کرد، اما این اظهارات در داخل عربستان به ویژه از سوی عبدالعزیز فرزند فهد مورد استقبال قرار نگرفت.

مدتی بعد عبدالعزیز از سلطان دعوت کرد تا در قصر ملک فهد در ژنیو برای حل مشکلات با یکدیگر دیدار کنند. عبدالعزیز در این دیدار سعی کرد سلطان را به بازگشت به عربستان قانع کند، اما او این موضوع را رد کرد. اما در نهایت وی را با دارو بیهوش کرد و با یک هواپیما به ریاض برد. سلطان در آن زمان ۱۸۲ کیلوگرم وزن داشت و تزریق مواد بیهوشی باعث تأثیرات منفی در اعصاب پای وی شد. او ۱۱ سال را در داخل و خارج از زندان یا در بیمارستان دولتی در ریاض پشت سر گذاشت.

سلطان در سال ۲۰۱۴ به آنفولانزای خوکی مبتلا شد، جان وی در نتیجه این بیماری به خطر افتاده بود و تقریباً فلج شده بود، لذا خاندان حاکم بر عربستان به وی اجازه سفر به ماساچوست آمریکا را دادند. این سفر به معنای آزادی مجدد شاهزاده سلطان بود.

در مدت مداوای وی در آمریکا اتفاقات مهم و تغییرات گسترده‌ای در داخل خاندان پادشاهی عربستان رخ داد، ملک عبدالله که پدر همسر متوفای وی بود، از دنیا رفت. البته سلطان ماهیت این تغییرات را به خوبی متوجه نشده بود و نمی‌دانست که این تحولات باعث می‌شود کمک‌هایی که از ریاض برای وی می‌رسید، قطع شود. او بعد از بهبودی عمل‌های جراحی زیبایی متعددی را انجام داد و بار دیگر کاروانی از همراهان برای خود ایجاد کرد.

وی مانند گذشته سعی کرد در کشورهای مختلف اروپا به گشت و گذار بپردازد. تیم همراه وی شامل عناصر مسلح و شش تن از پرستاران زن و چندین زن دیگر بودند که از یک شرکت مدلینگ در سوئیس اجاره کرده بود. سلطان میلیون‌ها دلار در ماه هزینه می‌کرد و از اوسلو به برلین، ژنیو، پاریس و مناطق دیگر سفر می‌کرد. تیم همراه این شاهزاده سعودی همواره بهترین غذاها و بهترین مشروبات را سرو می‌کردند.

وی همواره در یک شهر اقامت می‌کرد و بعد از این که از آنجا خسته می‌شد، به خدمه‌اش دستور می‌داد وسایلش را جمع کنند و با سفارت عربستان تماس می‌گرفت و با جلب تدابیر امنیتی از سوی آنها با یک هواپیمای اختصاصی به یک شهر دیگر سفر می‌کرد. در نیمه سال ۲۰۱۵ شاهزاده سلطان هتل مرفهی را در بهترین موقعیت جزیره سردینیا اجاره کرد. خاندان پادشاهی تا آن زمان پول‌هایی که به وی اختصاص داده شده بود را ارسال می‌کرد، اما احساس می‌کرد این پول‌ها هر لحظه ممکن است متوقف شود، لذا نقشه‌ای را طراحی کرد و از دولت عربستان خواست خسارت‌هایی که در نتیجه عملیات ربایش در سال ۲۰۰۳ به آن دچار شده است را دریافت کند، اما او پاسخی از سوی دفتر پادشاهی عربستان دریافت نکرد.

وی در تابستان ۲۰۱۵ تصمیم گرفت یک دادخواست قضائی ضد خاندان حاکم عربستان آماده کند، نزدیکانش سعی کردند او را از این کار منصرف کنند، چرا که می‌دانستند ممکن است بار دیگر ربوده شود. البته او به هشدارها گوش نداد و وقتی اخبار این شکایت منتشر شد، دفتر پادشاهی عربستان مقرری او را قطع کرد. اطرافیان وی چند هفته بعد از این موضوع مطلع شدند، چرا که هتل به علت این که پول آنها واریز نشده، از ارائه سرویس به آنها خودداری کرد. وی اما قول داد که خیلی زود بدهی یک میلیون دلاری هتل را بپردازد.

او در ادامه سعی کرد محمد بن سلمان را از عرصه خارج کند. در نظام حاکمیت عربستان سعودی اگر پادشاه در عملکرد خود ناتوان می‌شد برادرانش می‌توانستند او را از قدرت خلع کنند، لذا دو نامه ناشناس به عموهایش نوشت و

گفت که برادرشان ملک سلمان ناتوان شده و هیچ اختیاری از خود ندارد و تمامی اختیارات در دست محمد بن سلمان است.

وی در این نامه ذکر کرده بود که خطرناکترین مشکل در اوضاع جسمانی پادشاه عربستان مشکل عقلی وی است که باعث شده این کشور در اختیار محمد بن سلمان قرار بگیرد. سلطان گفته بود که محمد بن سلمان فردی فاسد بوده و حدود دو میلیارد دلار از اموال دولتی عربستان را به حساب ویژه خود منتقل کرده است. او تنها راه حل مشکلات کشور را کنار زدن پادشاه و برگزاری اجلاس ویژه خاندان پادشاهی و بررسی اوضاع و اتخاذ تدابیر لازم برای حفاظت از کشور دانسته بود.

این دو نامه در روزنامه گاردین انگلیس منتشر شد. در حالی که این نامه‌ها هیچ امضائی نداشت، اما مسؤولان سعودی متوجه شده بودند که نویسنده این نامه‌ها چه کسی است. سلطان در طرف مقابل منتظر تحرکات عموهایش یا دریافت باج برای ساکت شدنش بود، بعد از انتشار این دو نامه یک میلیون دلار پول به حساب ویژه وی واریز شد که با نیمی از آن هزینه‌های هتل را پرداخت کرد و نیم دیگر را برای هزینه‌های سفرش به کار گرفت.

وی در ادامه دعوتنامه‌ای از پدرش دریافت کرد تا به قاهره سفر کند. دفتر پادشاهی عربستان یک هواپیمای ویژه برای انتقال وی به قاهره فرستاده بود، اما همراهانش نسبت به استفاده از این هواپیما به شاهزاده سلطان هشدار دادند. چرا که آنها روند ربه‌شده شدن وی در سال ۲۰۰۳ را مشاهده کرده بودند. سلطان اما مطمئن بود که شرایط به سمتی پیش می‌رود که بتواند با پسر عمویش آشتی کند.

سلطان تیم همراه خود را برای مذاکره با کادر هواپیما ارسال کرد. کادر هواپیما بیشتر شبیه نیروهای امنیتی بودند و هیچ مهمانداری در هواپیما نبود. لذا تیم همراه شاهزاده سلطان به این نتیجه رسیدند که این هواپیما به قاهره سفر نخواهد کرد و نباید به آنها مطمئن بود.

کاپیتان هواپیما اما با پیشنهاد باقی گذاشتن ۱۰ نفر از کادر پرواز در پاریس توانست نظر سلطان را به خود جلب کند و این گونه نشان دهد که این یک پرواز عادی است و یک ربایش به شمار نمی‌رود. شاهزاده سلطان از تیم خود خواست تا برای سفر آماده شوند. مجموعه پرستاران و مدل‌های همراه این شاهزاده سعودی و نیروهای امنیتی در کنار وی بیش از ۲۰ نفر بودند. هواپیما بدون هیچ مشکلی از پاریس به آسمان بلند شد. به مدت دو ساعت مانیتور هواپیما نشان می‌داد که به سمت قاهره در حرکت است. دو ساعت بعد مانیتور خاموش شد. وقتی اطرافیان شاهزاده سلطان علت ماجرا را سؤال کردند، خلبان هواپیما گفت که احتمالاً با مشکل فنی مواجه شده است.

اندکی قبل از فرود هواپیما همه متوجه شدند که در ریاض فرود خواهند آمد و به قاهره نرفته‌اند، آنها رود نیل و اهرام‌های مصر را مشاهده نکرده بودند. سلطان از یکی از محافظان خود خواست تا تفنگش را به او بدهد، اما او ممانعت کرد، چرا که کادر پرواز نیز همگی مسلح بودند و ممکن بود مشکلی پیش بیاید. لذا سلطان نتوانست هیچ حرکتی انجام دهد تا زمانی که در فرودگاه فرود آمدند. در اینجا بود که نیروهای امنیتی او را کشان کشان از راهروی هواپیما بیرون بردند و بعد از آن دیگر هیچ کس شاهزاده سلطان را ندیده است.

تیم اطراف شاهزاده سعودی در ابتداء به محل جلسات فرودگاه منتقل شدند و بعد از آن به یک هتل رفتند. آنها سه روز در هتل باقی ماندند، اما اجازه خروج از هتل یا تماس گرفتن با کسی را نداشتند. در روز چهارم به یک دفتر دولتی منتقل شدند و یکی یکی وارد اتاق جلساتی شدند که کاپیتان هواپیما در آنجا با لباس سعودی نشسته بود. او سعود القحطانی از کارمندان ارشد دفتر پادشاهی عربستان بود.

القحطانی از افرادی است که مهمترین مأموریت‌های محمد بن سلمان از جمله ترور جمال خاشقجی را مدیریت کرد. قحطانی از تیم همراه شاهزاده سعودی خواست که تعهد بدهند که در خصوص اتفاقاتی که رخ داده با کسی صحبت نکنند. برخی از این افراد نیز پول گرفتند و به هر جا که می‌خواستند، رفتند.